

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۱۲ می ۲۰۲۲

اسلام طالبی و دنیای حیوانات!



چهارشنبه- ۲۱ ثور ۱۴۰۱ - کابل: عکسی را که در مقابل این سطور خدمت تان تقدیم شده است، یکی از دوستان گرانقدر برایم فرستاده است، هر چند خود عکس کاملاً گویاست و می شود گفت نیاز به تبصره ندارد، مگر تداعی یک خاطره مشابه از عملکرد طالبی، وادارم ساخت تا به علاوه نشر عکس چند سطری نیز خدمت تان بنگارم:

۱- سالها قبل از امروز یعنی زمانی که ۴ الی ۵ سال بیشتر نداشتم و تا آنزمان نه از حاکمیت خلق و پرچم خط و خبری بود و نه هم از هیستری مذهبی نوع جهادی و طالبی، در یکی از روزها در باغچه یک تن از خویشاوندان نزدیک با تمام

اعضای فامیل مهمان بودیم. خرد و بزرگ، زن و مرد و پیر و جوان همه در باغچه به تناسب جنس، سن و سال و علایق شان گرد هم جمع شده هریک سرگرمی خاص خود را دنبال می نمود.

میزبان ما که آدم مهربان و مؤدبی بود و تلاش می نمود تا برای همه متناسب با توانش رسیدگی نماید، در خانه اش کبوتر های خیلی قشنگ و گلچین را نگه می داشت، کبوتران هم که به علاوه پشت بام قلعه، باغچه را نیز در اختیار خود داشتند، غمبور زده به هر طرف گشت و گذار می نمودند و اگر بگویم بر فضای دلپذیر آنجا حالت با شکوهی را داده بودند، باور کنید مبالغه نکرده ام.

در چنین فضائی یکی از کبوتران که یک لحظه آرام نداشت یا در اطراف جوره اش چرخ زده غمبور می زد و یا با پرواز مستانه و بلند نمودن صدای "قرص، قرص" بالهایش بر بالای شاخه پریده، دوباره بر می گشت، حین چرخ خوردن و غمبور زدن، جفتش را بر مبنای اقتضای طبیعت، سواری نمود.

از چانس بد آن کبوتر زیبا و عاشق پیشه، برادر میزبان خانه که "ناصر" نام داشت و گویا جوان "کاکه و بزین بهادری" به حساب می آمد، متوجه آن عمل کبوتر شد. ناصر که تازه ازدواج نموده بود و همسر جوان خودش هم در جمع سایر زنان در باغچه حضور داشت، سواری کبوتر را "بی حیائی" و "چشم پارگی" تلقی نموده با یک نوع خشم از جایش برخاسته، کبوتر عاشق را که هیچ گناهی انجام نداده بود، گرفته جلو روی همه ما از بچه ها و زنها گرفته تا بزرگسالان با بی بیرحمی وصف ناپذیری گردنش را تاب داده از تنه اش جدا کرده به درون باغچه انداخت تا باشد غیرت برخاسته از حماقتش را به همه نشان داده باشد.

۲- وقتی امروز چشمم به عکس دکان قصابی افتاد، به یک باره بعد از دهه ها باز هم صحنه آن باغچه و کندن سر کبوتر به جرم عشق بازی با جوره اش و "ناصر غیرتمند و بزین بهادر!!" جلو چشمم مجسم شده وقتی آن را با جایگاه "ممانعت وطنی با حیوانات" در فقه اسلامی مقایسه نمودم، متوجه شدم که با کمال تأسف سرنوشت افغانستان به دست "ناصر" ها افتاده است.

یعنی وقتی آنروز "ناصر" جلو روی زنان و کودکان، سر کبوتر را از تنه اش با خشونت کنده به دور افگند، این که برادرش یا از ترس بزین بهادری "ناصر" صدایش را بلند ننمود و یا هم به خاطر حفظ نزاکت و آرامش مهمانی حرفی نزد و بزرگان حاضر در آن مجلس من جمله پدر و پدر کلانم نیز فقط با یک نگاه و سر شوردادن عدم رضایت شان را از خشونت بیجا و احمقانه "ناصر" نشان دادند و ما بچه ها، از این قتل بی رحمانه مثل بید می لرزیدیم، و اکثر ما از آن تاریخ به بعد نمی خواستیم چشم ما به "ناصر" بیفتد، مگر هیچ کس حرفی نزد و انتقادی ننمود و چه بسا در ذهن شان به "غیرت ناصر" نیز آفرین گفته باشند، نشان از آن دارد که طالب هر چند از لحاظ تشکیلاتی دهه ها بعد تر از آنروز در زهدان چرکین نهاد های استخباراتی تولدیافت، مگر فرهنگ طالبی از ده ها و صد ها سال پیشتر از تولد طالب در جامعه وجود داشت و آنها هم بر مبنای همان فرهنگ، به قصابان حکم می نمایند تا از نمایش سوراخ به جای مانده از دنیه بریده شده گوسفندان خودداری بورزند زیرا ممکن است طالب و یا پرورش یافتگان فرهنگی طالبی را تحریک جنسی نماید.

هموطنان گرامی!

هرگاه دور اول حاکمیت دار و تازیانه طالب را هنوز هم به خاطر داشته باشید، مردم فقط بر حسب شوخی و طنز از پوشاندن عورت حیوانات به خصوص خر و یا آویزان کردن مرغ پاک کرده، یاد کرده بدان وسیله طالب و فرهنگ طالبی را به تمسخر می گرفتند. فکر می کنم نه آنروز و نه هم امروز حق نداشتیم و نداریم صرف با یک تمسخر از کنار این پدیده بگذریم. زیرا موجودیت تفکرات طالبی در جامعه نه خیال است و نه هم توهم و یا کابوس؛ بلکه واقعیتی است زشت، نا هنجار و ضد انقلابی که می باید آن را جدی گرفته علیه آن به مبارزه برخیزیم. یعنی با دقت کامل متوجه عملکرد "ناصر" های خانواده خود باشیم و نگذاریم که افکار، اعتقادات و عملکردهای مسموم و ضد انقلابی شان را بدون پاسخگویی ادامه دهند، به همان سان باید در جامعه علیه سیاست های احمقان و ضد انقلابی طالب که در پوشش اسلام بر جامعه تطبیق می گردد بایستیم، فقط در چنین صورتی لکه ننگ موجودیت طالب را از دامان کشور ما پاک نموده می توانیم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!